رویکرد بزه‌دیده‌محور در اسناد کیفری جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اکوواس) با تأکید بر حمایت از زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی

محسن لعل علیزاده

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه:Mla۱۳۵۷@puu.ac.ir

Orcid code:۰۰۰۰-۰۰۰۲-٤۲۳۲-٤۲۱x

احمد فدوی

نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.رایانامه:ahmadfadavi۷٤٤@gmail.com

Orcid code: ۰۰۰۹-۰۰۰۹-۳٦۱۰-۰٦٤۸

نسخه پیش از انتشار (آماده ویرایش)

چکیده

بهره‌کشی جنسی از زنان وکودکان از مهم‌ترین اشکال نقض حقوق بشر و مقابله با آن، مستلزم اتخاذ رویکردی بزه‌دیده‌محور است؛ رویکردی که حمایت، امنیت و جبران خسارت بزه‌دیدگان را در کنار تعقیب و مجازات مرتکبان قرار دهد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کارآمدی سازوکارهای بزه‌دیده‌محور در نظام عدالت کیفری جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اکوواس)، ظرفیت‌های حقوقی و اجرایی این سازمان را در حمایت از قربانیان بهره‌کشی جنسی بررسی می‌کند. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای اسنادی ـ رویه‌ای است. داده‌ها از اسناد و سیاست‌های اکوواس، از جمله برنامه اقدام علیه قاچاق انسان (۲۰۰۶)، چارچوب استراتژیک حفاظت از کودکان (۲۰۱۷) و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی استخراج و با مقایسه «طراحی هنجاری» و «اجرای عملیاتی» تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد اکوواس ظرفیت‌های هنجاری مناسبی برای حمایت از بزه‌دیدگان، حفاظت از شاهدان، همکاری فرامرزی و جبران خسارت دارد؛ اما اجرای آن با کمبود منابع پایدار، ضعف هماهنگی، محدودیت نهادهای تخصصی و نبود سازوکار جبران خسارت مواجه است. چالش اصلی، شکاف میان تعهدات هنجاری و ظرفیت اجرایی است. ایجاد صندوق جبران خسارت، آموزش تخصصی و سازوکارهای هماهنگ حمایت و ارجاع، کارآمدی اکوواس را ارتقا و بزه‌دیدگی ثانویه را کاهش می دهد.

کلیدواژگان: بزه‌دیده، عدالت کیفری منطقه‌ای، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا، قاچاق انسان، بهره‌کشی جنسی

مقدمه

بهره‌کشی جنسی[1] از زنان و کودکان یکی از شدیدترین اشکال نقض کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر است که در پیوند با فقر، نابرابری جنسیتی، آسیب‌پذیری اقتصادی، مهاجرت اجباری و ضعف نهادهای حمایتی شکل می‌گیرد (ذاقلی، ۱۳۹۴، ص. ۴۸). این پدیده، که غالباً با قاچاق انسان همراه است، آثار گسترده جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی بر بزه‌دیدگان بر جای می‌گذارد و پیامدهای آن ممکن است پس از وقوع جرم نیز در فرایند شناسایی، گزارش‌دهی و دادرسی استمرار یابد. گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز زمینه ظهور و گسترش اشکال نوین بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، به‌ویژه نسبت به کودکان، را فراهم کرده و با ایجاد امکان تعامل فرامرزی، ناشناسی و دسترسی گسترده، ابعاد بزه‌دیدگی جنسی را از محیط فیزیکی فراتر برده است(مهدوی و قادری، ۱۴۰۴، ص ۳۷۶).پروتکل پالرمو[2] نیز بهره‌کشی جنسی را از مهم‌ترین اهداف قاچاق انسان دانسته و بر ضرورت پیشگیری، حمایت از بزه‌دیدگان و مقابله کیفری با مرتکبان تأکید کرده است (نورمحمدزاده، ۱۴۰۳، ص. ۱۱). با وجود پیش‌بینی حقوق حمایتی در اسناد بین‌المللی، تأمین امنیت و بازتوانی بزه‌دیدگان همچنان با چالش مواجه است؛ زیرا در بسیاری از نظام‌های کیفری، تمرکز بر تعقیب و مجازات مرتکبان بوده و نیازهایی مانند حمایت روانی و اجتماعی، حفاظت از شاهدان و جبران خسارت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این مسئله در غرب آفریقا، با توجه به فقر ساختاری، نابرابری جنسیتی، مهاجرت، بی‌ثباتی سیاسی، درگیری‌های مسلحانه و ضعف برخی نهادهای قضایی و حمایتی، پیچیده‌تر است. گزارش‌های دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد نیز این منطقه را از مناطق مهم مبدأ، عبور و مقصد قاچاق انسان دانسته و بر آسیب‌پذیری زنان و کودکان تأکید کرده‌اند(UNODC, ۲۰۰۶, p. ۲۶). جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اکوواس[3]) یک سازمان منطقه‌ای متشکل از کشورهای غرب آفریقاست که علاوه بر همکاری اقتصادی، در زمینه همکاری قضایی، مقابله با جرایم فرامرزی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر نیز نقش دارد. اسناد این سازمان از نظر ماهیت حقوقی یکسان نیستند؛ پروتکل‌ها واجد تعهدات حقوقی برای دولت‌های عضو، و اعلامیه‌ها، برنامه‌های اقدام و چارچوب‌های سیاستی عمدتاً ماهیت راهنما و ارشادی دارند. بنابراین، در ارزیابی کارآمدی اکوواس باید میان تعهدات الزام‌آور و استانداردها و توصیه‌های سیاستی تفکیک کرد. انتخاب اکوواس نیز به دلیل مواجهه مستقیم منطقه با قاچاق و بهره‌کشی جنسی زنان و کودکان و وجود اسناد مرتبط با حمایت از بزه‌دیدگان صورت گرفته است.

منظور از «عدالت کیفری اکوواس» در این پژوهش، نظام کیفری مستقل یا قانون کیفری واحد منطقه‌ای نیست، بلکه مفهومی موسع از سازوکارهای منطقه‌ای همکاری کیفری، حمایت از بزه‌دیدگان، حفاظت از شهود و جبران خسارت است که در اسناد و سیاست‌های این سازمان انعکاس یافته است. از این منظر، بررسی اسناد اکوواس امکان ارزیابی میزان انعکاس اصول بزه‌دیده‌محوری و فاصله میان چارچوب‌های هنجاری و سازوکارهای عملی حمایت از قربانیان را فراهم می‌کند.

مسئله اساسی، صرفاً فقدان مقررات حمایتی نیست، بلکه فاصله میان «طراحی هنجاری» و «اجرای عملیاتی» آن‌هاست. تحقق حمایت مؤثر مستلزم نهادهای مسئول، منابع پایدار، خدمات تخصصی، هماهنگی در ارجاع و تضمین‌های اجرایی است. کمبود

---

[1]- sexual exploitation

[2]- Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children(۲۰۰۰)

[3]- Economic Community of West African States (ECOWAS)

مراکز حمایتی، آموزش ناکافی قضات و ضابطان، ضعف هماهنگی فرامرزی، محدودیت داده‌های قابل اعتماد و نگرش‌های سرزنش‌کننده بزه‌دیدگان، دسترسی زنان و کودکان به عدالت و حمایت را محدود می‌کند. بنابراین، کارآمدی اکوواس باید بر اساس میزان تأمین امنیت، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه، حمایت از شاهدان و جبران خسارت، نه صرفاً تعداد اسناد، ارزیابی شود. اعلامیه اکوواس درباره مبارزه با قاچاق انسان[1]، نیز این منطقه را مبدأ، مسیر عبور و مقصد قاچاق انسان دانسته و بهره‌کشی جنسی را از مهم‌ترین اشکال آن معرفی می‌کند (ECOWAS, ۲۰۰۱, p. ۳). همچنین، پروتکل کمک حقوقی متقابل در امور کیفری[2] (۱۹۹۴) و اسناد مرتبط با حمایت از زنان و کودکان، زمینه همکاری منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر را فراهم کرده‌اند (ECOWAS, ۱۹۹٤, p. ٤; ECOWAS, ۲۰۲۰, p. ۱۲).

با این حال، مسئله اساسی صرفاً فقدان مقررات یا اسناد حمایتی نیست، بلکه فاصله میان «طراحی هنجاری» و «اجرای عملیاتی» این تعهدات است. وجود مقررات منطقه‌ای زمانی می‌تواند به حمایت مؤثر منجر شود که به نهادهای مسئول، منابع مالی پایدار، خدمات تخصصی، سازوکارهای هماهنگ ارجاع و تضمین‌های اجرایی تبدیل شود. کمبود مراکز حمایتی، آموزش ناکافی قضات و ضابطان، ضعف هماهنگی فرامرزی، محدودیت داده‌های قابل اعتماد و استمرار نگرش‌های سرزنش‌کننده بزه‌دیده، از جمله موانعی هستند که دسترسی زنان و کودکان به عدالت و حمایت مؤثر را محدود می‌کنند. بنابراین، کارآمدی نظام اکوواس نباید صرفاً بر اساس تعداد اسناد تصویب‌شده ارزیابی شود، بلکه باید میزان توانایی آن در تأمین امنیت، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه، حمایت از شاهدان و تضمین جبران خسارت مورد بررسی قرار گیرد.

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بهره‌کشی جنسی در آفریقای سیاه با فقر، نابرابری جنسیتی، سوءاستفاده از قدرت و تبعیض‌های اجتماعی پیوند دارد (Babatope et al., ۲۰۲٥, p. ۲٥٦). همچنین، ضعف خدمات بهداشت روانی، محدودیت‌های حقوقی و دشواری دسترسی به نهادهای حمایتی، فرایند شناسایی و گزارش‌دهی را مختل می‌کند. برخی پژوهش‌ها نیز بر آسیب‌پذیری مضاعف زنان و دختران در ساختارهای سنتی و خانوادگی تأکید کرده‌اند (Ndiaye & Mbaye, ۲۰۱۹, pp. ۱۲۸). افزون بر این، کمبود داده‌های منظم و تفاوت‌های حقوقی و نهادی میان کشورهای منطقه، طراحی سازوکارهای حمایتی و جبرانی متناسب با نیازهای بزه‌دیدگان را دشوار ساخته است (UNODC, ۲۰۱٦, p. ۲۱۰; UNICEF, ۲۰۱۷, p. ٦٥).

با وجود مطالعات موجود، بررسی یکپارچه سازوکارهای اکوواس بر مبنای شاخص‌های بزه‌دیده‌محوری و ارتباط میان تعهدات هنجاری، ظرفیت اجرایی و دسترسی واقعی بزه‌دیدگان به حمایت و جبران خسارت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با ارزیابی اسناد و سازوکارهای اکوواس، این شکاف را بررسی می‌کند. در این پژوهش، بزه‌دیده‌محوری شامل تأمین امنیت، حفظ کرامت، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه، دسترسی به خدمات تخصصی و جبران خسارت جامع است؛ به‌گونه‌ای که حمایت از شاهدان بخشی از حمایت همه‌جانبه و جبران خسارت نیز فراتر از غرامت مالی، شامل ابعاد درمانی، روانی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بازتوانی می‌شود.

بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش آن است که رویکرد بزه‌دیده‌محور در نظام عدالت کیفری اکوواس، با توجه به شکاف میان تعهدات هنجاری و ظرفیت‌های اجرایی، تا چه اندازه می‌تواند به تقویت حفاظت از شاهدان و تضمین جبران خسارت برای زنان

---

[1]- ECOWAS Declaration on the Fight against Trafficking in Persons
[2]- ECOWAS Protocol on Mutual Legal Assistance in Criminal Matters

و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی منجر شود؟ فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که ادغام اصول بزه‌دیده‌محور با سازوکارهای اجرایی، نهادی و مالیِ الزام‌آور، می‌تواند کارآمدی نظام عدالت کیفری اکوواس را افزایش دهد؛ اما صرف شناسایی حقوق بزه‌دیدگان در اسناد منطقه‌ای، بدون ایجاد نهادهای مسئول، منابع پایدار و سازوکارهای نظارتی، برای تحقق حمایت مؤثر کافی نیست. گزارش قاچاق انسان ۲۰۲۵ نیز بر اهمیت شناسایی، حمایت و توانمندسازی بزه‌دیدگان و ضرورت تقویت رویکردهای حقوق‌محور تأکید دارد (U.S. Department of State, ۲۰۲۵, p. ۵۹).

پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای اسنادی و رویکرد بزه‌دیده‌محوری، اسناد حقوقی و سیاستی اکوواس طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۰ و گزارش‌های بین‌المللی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ را با تمرکز بر نیجریه، غنا و سنگال بررسی می‌کند. تحلیل بر مقایسه «طراحی هنجاری» و «اجرای عملیاتی» و شناسایی موانع سیاسی، اقتصادی، نهادی و فرهنگی حمایت از بزه‌دیدگان استوار است. نوآوری پژوهش، ارزیابی حمایت از زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی به‌عنوان شاخص کارآمدی نظام عدالت کیفری منطقه‌ای و تبیین گذار از «حمایت هنجاری» به «حمایت مؤثر» است. مقاله در سه بخش، مبانی حقوقی و مفهومی، وضعیت و چالش‌های حمایتی اکوواس و ظرفیت‌ها و راهکارهای تقویت بزه‌دیده‌محوری را بررسی می‌کند.

۱- چارچوب‌های مفهومی و مبانی حقوقی رویکرد بزه‌دیده محور

با توجه به ضرورت تعیین معیارهای بزه‌دیده‌محور برای ارزیابی سازوکارهای حمایتی اکوواس، ابتدا باید مبانی مفهومی و حقوقی این رویکرد تبیین شود. در تحول اندیشه کیفری، بزه‌دیده از جایگاهی حاشیه‌ای به مؤلفه‌ای اساسی در سیاست جنایی و عدالت کیفری تبدیل شده و توجه به نیازها و آسیب‌های وی در طراحی پاسخ‌های کیفری اهمیت یافته است (کاریو، ۱۴۰۱،ص ۱۲-۱۵). نظام‌های کلاسیک عمدتاً بر تعقیب و مجازات مرتکب تمرکز داشته و نیازهایی مانند امنیت، حمایت روانی و اجتماعی، مشارکت در دادرسی و جبران خسارت را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند؛ وضعیتی که می‌تواند به بزه‌دیدگی ثانویه و کاهش اعتماد به عدالت منجر شود. ازاین‌رو، رویکرد بزه‌دیده‌محور با هدف ایجاد توازن میان حقوق بزه‌دیده، متهم و اهداف عدالت کیفری شکل گرفته است. این رویکرد، حمایت از بزه‌دیده را بخشی از معیار کارآمدی و مشروعیت نظام عدالت می‌داند؛ موضوعی که در بهره‌کشی جنسی از زنان و کودکان، به دلیل خطر آسیب‌های ثانویه، اهمیت بیشتری دارد. بر این اساس، مبانی بزه‌دیده‌محوری، ظرفیت‌های عدالت ترمیمی و جایگاه بزه‌دیدگان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، مبنای ارزیابی سازوکارهای حمایتی اکوواس قرار می‌گیرد.

۱-۱ مفاهیم و تحولات گفتمانی در عدالت کیفری

۱-۱-۱ مفهوم‌شناسی و مؤلفه‌های رویکرد بزه‌دیده محور

تا اواسط قرن بیستم، بزه‌دیدگان در نظام‌های عدالت کیفری عمدتاً نقش مستقلی نداشتند و مشارکت آنان به شکایت یا همکاری در اثبات جرم محدود می‌شد (لعل علیزاده، ۱۳۹۶، ص. ۹۶). با گسترش بزه‌دیده‌شناسی و گفتمان حقوق بشر، بزه‌دیده به‌عنوان فردی دارای کرامت، حق امنیت، دسترسی به عدالت، حمایت و جبران خسارت شناخته شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴؛ ص ۱۰؛

نسخه پیش از انتشار (ناویرایسته)

والک‌لیت، ۱۴۰۰، ص ۸). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نیز بر گذار از تمرکز صرف بر مجازات مرتکب به ترمیم و جبران خسارت تأکید دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص۳).

رویکرد بزه‌دیده‌محور به معنای ترجیح مطلق خواسته‌های بزه‌دیده نیست، بلکه مستلزم توجه به نیازها و آسیب‌پذیری‌های او در چارچوب دادرسی عادلانه است. ایمنی و محرمانگی، رضایت آگاهانه، عدم تبعیض، عدم مجازات بزه‌دیده و حساسیت به آسیب و تروما از اصول اساسی این رویکردند (WHO, ۲۰۲۳, p. ۳). در بهره‌کشی جنسی نیز باید از مجازات قربانی به دلیل رفتارهای ناشی از اجبار جلوگیری و میان رفتارهای اجباری و ارادی تفکیک شود (United Nations, ۲۰۰۰, p. ۳). اهمیت این رویکرد در اکوواس، با توجه به فقر، نابرابری جنسیتی و تفاوت ظرفیت‌های ملی، بیشتر است (U.S. Department of State, ۲۰۲۵, p. ۲۱). بنابراین، معیارهای پژوهش شامل ایمنی، محرمانگی، عدم مجازات، مشارکت آگاهانه، حساسیت سنی و جنسیتی، حمایت روانی ـ اجتماعی، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه و جبران خسارت جامع است.

۱-۱-۲ گذار از عدالت کیفری سنتی به عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی با انتقال تمرکز از مجازات صرف مرتکب به جبران آسیب، پاسخ‌گویی و بازسازی روابط اجتماعی، بر نیازهای بزه‌دیده تأکید دارد (Palazzolo, ۲۰۲۶, pp. ۲۰–۲۱). بااین‌حال، در جرایم خشونت‌آمیز و بهره‌کشی جنسی، به دلیل نابرابری قدرت، کاربرد آن نیازمند احتیاط است. میانجی‌گری یا مواجهه مستقیم بدون تضمین‌های حمایتی می‌تواند موجب بازبزه‌دیدگی شود؛ به‌ویژه آنکه زنان و کودکان با کمبود خدمات حمایتی و تبعیض‌های ساختاری مواجه‌اند. ازاین‌رو، سازوکارهای ترمیمی باید به رضایت آزادانه و آگاهانه، حمایت حقوقی، روانی و امنیتی مستقل، ارزیابی خطر و امکان خروج از فرایند مشروط باشند. در شرایط تهدید، وابستگی اقتصادی یا نابرابری شدید قدرت، مواجهه مستقیم مناسب نیست. در نتیجه، عدالت ترمیمی در این حوزه مکمل مشروط عدالت کیفری است و باید کرامت، امنیت و عاملیت بزه‌دیده را بر سازش یا تسریع دادرسی مقدم بدارد.

۱-۲ جایگاه بزه‌دیدگان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، حمایت از بزه‌دیدگان را از یک ملاحظه اخلاقی به تعهدات حقوقی دولت‌ها ارتقا داده و با تأکید بر کرامت، عدم تبعیض، حمایت از زنان و کودکان و دسترسی به عدالت، مبنای رویکرد بزه‌دیده‌محور را فراهم کرده‌اند. اتحادیه آفریقا و اکوواس نیز این اصول را در اسناد مرتبط با قاچاق انسان، حمایت از کودکان و همکاری کیفری منعکس کرده‌اند. بااین‌حال، ارزیابی حمایت مؤثر مستلزم سنجش میزان اجرای این تعهدات است.

۱-۲-۱ استانداردهای بین‌المللی حمایت از حقوق بزه‌دیدگان

اسناد بین‌المللی با گذار از «ابزارگرایی کیفری» به «اصالت‌بخشی به حقوق بزه‌دیده»، حمایت از قربانیان را در قالب تعهدات حقوقی دولت‌ها مطرح کرده‌اند. کنوانسیون حقوق کودک، با تأکید بر تدابیر متناسب با سن و وضعیت کودک، حمایت را از دادرسی به بازتوانی و بازگشت ایمن به جامعه گسترش می‌دهد (CRC, ۱۹۸۹, arts. ۱۹, ۳٤; Khamil, ۲۰۱۵, p. ۸۸) و بر تداوم خدمات روانی و اجتماعی تأکید دارد (CRC, ۲۰۱۱, arts. ۳۹–٤۰). در حوزه زنان نیز کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مبنای حقوقی مقابله با قاچاق و بهره‌کشی را تقویت کرده است (CEDAW, ۱۹۷۹, arts. ۲–۳;

نسخه پیش از انتشار (زاویه استه)

(Johnson, ۲۰۲۰, pp. ۱۱۲–۱۱۳). دسترسی مؤثر به عدالت مستلزم امنیت گزارش‌دهی، محرمانگی و پیشگیری از اقدامات تلافی‌جویانه است (UN Human Rights Office, ۲۰۱٦, p. ۷٦; Williams, ۲۰۱۸, p. ٥٤). همچنین، حفاظت از شاهدان در پرونده‌های بهره‌کشی جنسی، به دلیل خطر انگ اجتماعی و انتقام، بخشی از عدالت بزه‌دیده‌محور محسوب می‌شود. بنابراین، کارآمدی نظام اکوواس باید بر اساس فاصله میان تعهدات هنجاری و دسترسی واقعی قربانیان به حمایت ارزیابی شود.

۲-۲-۱ جایگاه بزه‌دیدگان در نظام حقوقی اکوواس و اتحادیه آفریقا

منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک مصوب ۱۹۹۰، با تأکید بر حمایت، بازتوانی و جبران خسارت، از اسناد مهم حمایت از کودکان در آفریقاست (OAU, ۱۹۹۰, p. ۲۰). این رویکرد با استانداردهای سازمان ملل درباره کودکان قربانی و شاهد جرم و اصل پیشگیری از «بزه‌دیدگی ثانویه» همسو است. در نتیجه، کودک قربانی بهره‌کشی جنسی باید «دارنده حق مستقل» تلقی شود، نه مجرم یا ابزار اثبات جرم. با وجود بلوغ نسبی هنجاری اسناد اکوواس، چالش اصلی، تبدیل این ظرفیت‌ها به سازوکارهای اجرایی و حمایت‌های قابل دسترس در سطح ملی است؛ ازاین‌رو، بخش بعدی به بررسی چالش‌های ساختاری تحقق حمایت بزه‌دیده‌محور در اکوواس می‌پردازد.

۲- واکاوی ظرفیت‌های حمایتی و چالش‌های اسناد و سازوکارهای اکوواس

ارزیابی نظام حمایتی اکوواس مستلزم سنجش فاصله میان «تعهدات هنجاری» و «اجرای عملی» است. اگرچه اسناد منطقه‌ای حمایت از بزه‌دیدگان، حفاظت از شاهدان و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه را مورد توجه قرار داده‌اند، تحقق آن‌ها به ظرفیت نهادی، منابع پایدار و هماهنگی میان کشورهای عضو وابسته است. در این بخش، با تمرکز بر زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی، پیوستگی زنجیره حمایت از شناسایی بزه‌دیده تا حمایت حقوقی، روانی ـ اجتماعی و جبران خسارت بررسی می‌شود؛ زیرا وجود قواعد حمایتی، بدون اجرای این زنجیره، لزوماً به معنای تحقق رویکرد بزه‌دیده‌محور نیست.

۲-۱-تحلیل سازوکارهای حفاظتی از شاهدان و بزه‌دیدگان

۲-۱-۱- ارزیابی پروتکل‌های امنیتی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه

رویکرد اکوواس در قبال قاچاق انسان و بهره‌کشی جنسی، از جرم‌انگاری و تعقیب مرتکبان به شناسایی و حمایت از بزه‌دیدگان تحول یافته است. اعلامیه داکار (۲۰۰۱) و برنامه‌های اقدام ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، با تأکید بر شناسایی بزه‌دیدگان، مداخله به‌موقع و مراکز تخصصی حمایت، این روند را تقویت کردند (ECOWAS, ۲۰۰۱, p. ٥; ECOWAS, ۲۰۰۲, p. ۲; ECOWAS, ۲۰۰٦, p. ۲٤). پروتکل کمک حقوقی متقابل (۱۹۹۴) نیز مبنای همکاری قضایی اعضا را فراهم کرد و اسناد ۲۰۱۷ و ۲۰۲۰ توجه به نیازهای زنان و کودکان را گسترش دادند (ECOWAS, ۱۹۹٤, p. ٦; ECOWAS, ۲۰۱۷, p. ۱٥ ,۲۰۲۰, □. ۸□ □□□□□□). بااین‌حال، «بزه‌دیدگی ثانویه» همچنان چالشی ساختاری است. زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی ممکن است در جریان تحقیقات و دادرسی با پرسش‌های تهاجمی، مواجهه ناخواسته با متهم، افشای هویت و

نسخه پیش از انتشار نهایی

نگرش‌های سرزنش‌گرانه روبه‌رو شوند که تروما را تشدید و همکاری آنان با نظام عدالت را محدود می‌کند (Asiyanbi et al., ۲۰۲۵, p. ۱۷٤٤). بنابراین، گذار از تعهدات مکتوب به حمایت عملی، مستلزم اتاق‌های ویژه شهادت، ارتباط از راه دور، محرمانگی، حضور وکیل یا مددکار اجتماعی و آموزش قضات، دادستان‌ها و ضابطان بر مبنای رویکرد حساس به تروماست. در نتیجه، اکوواس از مرحله شناسایی ضرورت حمایت عبور کرده، اما هنوز میان شناسایی هنجاری و ایجاد زنجیره منسجم حمایت فاصله دارد. معیار بزه‌دیده‌محوری، پیوستگی حمایت در مراحل شناسایی، تحقیق، دادرسی و پس از آن است؛ به‌گونه‌ای که بزه‌دیده برای دریافت حمایت مجدداً آسیب نبیند. این تدابیر نیز تنها در صورت اجرای استاندارد و قابل دسترس در کشورهای عضو کارآمد خواهند بود. ازاین‌رو، معیار ارزیابی ظرفیت حمایتی اکوواس، صرف وجود مقررات نیست، بلکه ظرفیت تحقق حمایت تخصصی و کاهش بزه‌دیدگی ثانویه است.

۲-۱-۲- خدمات معاضدت حقوقی و حمایت‌های روانی-اجتماعی

حمایت از شاهدان و بزه‌دیدگان در اکوواس، علاوه بر امنیت فیزیکی، دسترسی به وکیل، مشاوره روانی و خدمات اجتماعی متناسب با شرایط زنان و کودکان را دربر می‌گیرد. تهدید، ارعاب، انگ اجتماعی و وابستگی اقتصادی می‌تواند گزارش جرم و مشارکت در دادرسی را محدود کند؛ بنابراین خدمات حقوقی و روانی ـ اجتماعی جزء الزامات دسترسی مؤثر به عدالت است (Aduloju, ۲۰۱۷, p. ۹۱). برنامه اقدام ۲۰۰۶ بر مراکز پذیرش و پناهگاه‌های امن و چارچوب حفاظت از کودکان (۲۰۱۷) بر فضاها و روش‌های کاهش مواجهه مستقیم کودک با متهم تأکید دارند (ECOWAS, ۲۰۰٦, p. ۲٤; ECOWAS, ۲۰۱۷, □. ۸). بااین‌حال، صرف ایجاد مراکز حمایتی کافی نیست و کیفیت، استمرار و دسترسی برابر نیز اهمیت دارد.

اجرای این سازوکارها در کشورهای عضو یکسان نیست. نیجریه در شناسایی قربانیان و مراکز حمایتی پیشرفت‌هایی داشته، اما محدودیت مالی پوشش خدمات را کاهش داده است؛ در سنگال، همکاری قضایی می‌تواند حمایت از بزه‌دیدگان فرامرزی را تقویت کند و در غنا، ضعف هماهنگی نهادی مانع حمایت مؤثر از شاهدان شده است (U.S. Department of State, ۲۰۲۴, □. ۳۰ □□□□□□ ۳۵□۴۵□ .□□ ,۲۰۲۵). بنابراین، چالش اصلی، تفاوت ظرفیت کشورها در تبدیل تعهدات منطقه‌ای به خدمات قابل دسترس است و ضرورت یک استاندارد حداقلی منطقه‌ای برای حمایت از زنان و کودکان را نشان می‌دهد.

سه مانع اصلی عبارت‌اند از: ضعف هماهنگی و منابع مالی فرامرزی؛ کمبود مراکز و متخصصان حقوقی و روانی؛ و پیچیدگی حمایت از بزه‌دیدگان فرامرزی از حیث اقامت، زبان، دسترسی به وکیل و انتقال ایمن. افزایش شمار زنان و کودکان نیازمند حمایت نیز فشار بر ظرفیت‌های موجود را تشدید کرده است (IOM, ۲۰۲۵, p. ٥). بنابراین، رویکرد بزه‌دیده‌محور مستلزم گذار به خدمات حقوقی و روانی ـ اجتماعی پایدار، تأمین منابع منطقه‌ای، تقویت هماهنگی قضایی، خدمات چندزبانه و آموزش تخصصی کارکنان است. در نهایت، کارآمدی اکوواس باید بر اساس دسترسی بزه‌دیدگان به حمایت مؤثر و پایدار، نه تعداد پروتکل‌ها و برنامه‌های مصوب، سنجیده شود.

۲-۲-چالش‌های جبران خسارت برای زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی

نسخه پیش از انتشار فاقد اعتبار است

جبران خسارت در رویکرد بزه‌دیده‌محور، فراتر از غرامت مالی و شامل اقدامات حقوقی، درمانی، اجتماعی و اقتصادی برای کاهش آثار جرم، بازسازی کرامت و بازگشت بزه‌دیده به زندگی ایمن است. این ضرورت درباره زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی، به‌دلیل ماهیت چندبعدی آسیب‌های جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، کارآمدی نظام جبرانی اکوواس باید بر اساس دسترسی واقعی بزه‌دیدگان و توان تبدیل تعهدات حقوقی به حمایت عملی سنجیده شود.

۲-۲-۱- گونه‌شناسی نظام‌های جبران خسارت و موانع دسترسی به عدالت

۲-۲-۱-۱-گونه شناسی نظام های جبران خسارت

در رویکرد بزه‌دیده‌محور، جبران خسارت از اقدام ثانویه به هدفی بنیادین در عدالت تبدیل می‌شود و باید متناسب با سن، جنسیت، وضعیت اجتماعی و نوع آسیب، انعطاف‌پذیر و شخصی‌سازی‌شده باشد. در بهره‌کشی جنسی، آسیب‌ها علاوه بر آثار جسمی و روانی، محرومیت‌هایی چون فقر، ناامنی اقتصادی، ترک تحصیل، طرد اجتماعی و خطر بهره‌کشی مجدد را دربرمی‌گیرد؛ ازاین‌رو، تقلیل جبران به غرامت نقدی ناکافی است. با وجود تأکید اسناد اکوواس بر حمایت از قربانیان، شکاف میان تعهدات حقوقی و ظرفیت اجرایی اعضا اثربخشی آن را محدود کرده است (Aduloju, ۲۰۱۷, pp. ۹۵–۹۸).

از این منظر، نظام جبرانی اکوواس باید سه سطح مکمل داشته باشد: الف) توانمندسازی مادی و اقتصادی: آموزش حرفه‌ای، فرصت درآمدی و حمایت معیشتی برای کاهش وابستگی مالی و خطر بهره‌کشی مجدد. ب) بازتوانی جسمی، روانی و امنیتی: درمان تخصصی و روان‌درمانی مستمر حساس به تروما، همراه با اسکان امن و حفاظت فیزیکی در مراحل دادرسی. ج) جبران اجتماعی و آموزشی، به‌ویژه برای کودکان: بازگشت ایمن به آموزش، بازتوانی روانی و حمایت خانوادگی و اجتماعی. مراکز پذیرش اکوواس ظرفیت قانونی این اقدامات را دارند، اما فقدان استاندارد منطقه‌ای واحد، اجرای هماهنگ آن‌ها را محدود کرده است. بنابراین، «جبران مؤثر» زمانی تحقق می‌یابد که جبران مالی با بازتوانی، بازگشت به زندگی عادی و کاهش خطر بزه‌دیدگی مجدد پیوند یابد. تحقق این هدف نیز مستلزم گذار نظام‌های عضو از مدل‌های انفعالی به مدل‌های کنشگر، با مسئولیت دولت‌ها در بازسازی زندگی بزه‌دیده، بودجه اختصاصی، نظارت مستمر و ارزیابی کیفیت خدمات است؛ در غیر این صورت، تعهدات هنجاری بدون پشتوانه اجرایی باقی خواهند ماند. در نهایت، نظام جبران خسارت باید از قالب «پرداخت های مقطعی» به «بسته های حمایتی متناسب[۱]» تبدیل شود؛ فرایندی برای بازسازی امنیت، استقلال و توانمندی بزه‌دیده که بدون اصلاح ساختاری و ارزیابی فردی نیازها در جغرافیای اکوواس، همچنان در حد یک آرمان باقی خواهد ماند.

۲-۱-۲-۲- موانع دسترسی به عدالت

[۱] - Tailored Support Packages

پیش‌بینی حقوق حمایتی در قوانین، به‌تنهایی به معنای تحقق عدالت نیست؛ زیرا کارآمدی نظام به «میزان دسترسی[1]» واقعی بزه‌دیدگان به این حقوق وابسته است. در منطقه اکوواس، بسیاری از زنان و کودکان به دلیل «ناآگاهی از حقوق[2]» خود، پیچیدگی فرایندهای اداری، محدودیت دسترسی به وکیل و ضعف اطلاع‌رسانی، نمی‌توانند درخواست جبران خسارت را پیگیری کنند. نبود مسیرهای ساده و شفاف برای ثبت و پیگیری درخواست‌ها، فاصله میان بزه‌دیده و نهادهای حمایتی را افزایش می‌دهد (Alter et al., ۲۰۱۳, pp. ۷۷۳–۷۷۵).

ضعف پاسخ‌گویی نهادی، از جمله تأخیر در رسیدگی، ارجاع ناقص و ناتوانی در ارائه خدمات، می‌تواند فرایند عدالت را به عامل بزه‌دیدگی ثانویه تبدیل کند. ازاین‌رو، تعیین مسئولیت روشن نهادهای قضایی و اجرایی، نظارت بر عملکرد و ایجاد سازوکارهای قابل دسترس شکایت ضروری است. در این چارچوب، میان «وجود حق» و «امکان استفاده از حق» تفاوت وجود دارد؛ بنابراین، دسترسی آسان به وکیل، ثبت و پیگیری درخواست و نظارت مؤثر، از مؤلفه‌های اساسی رویکرد بزه‌دیده‌محورند. گذار به نظام جبرانی یکپارچه نیز مستلزم خدمات متناسب با سن و جنسیت، تسهیل دسترسی و تقویت پاسخ‌گویی نهادی است. مسئله اصلی در اکوواس صرفاً فقدان قانون نیست، بلکه شکاف میان «طراحی هنجاری» و «اجرای عملی» است. اگرچه اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حمایت از بزه‌دیدگان، حساسیت سنی و جنسیتی، عدم مجازات قربانی و جبران خسارت را شناسایی کرده‌اند، تبدیل این اصول به خدمات پایدار و قابل دسترس همچنان با موانع مواجه است.

۲-۲-۲- تحلیل خلاءهای هنجاری و اجرایی در رویه‌های اکوواس

بررسی نظام اکوواس نشان می‌دهد که مسئله اصلی صرفاً فقدان قانون نیست، بلکه شکاف میان «طراحی هنجاری» و «اجرای عملی» است. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، حمایت از بزه‌دیدگان، حساسیت به سن و جنسیت، عدم مجازات قربانیان و جبران خسارت را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما تبدیل این اصول به خدمات پایدار و قابل دسترس، با موانع جدی روبه‌رو است.

۱-۲-۲-۲- تحلیل خلاءهای هنجاری: از جامعیتِ جهانی تا محدودیت‌های منطقه‌ای

کنوانسیون حقوق کودک و دستورالعمل‌های سازمان ملل استانداردهای جامعی برای حمایت از بزه‌دیدگان ارائه می‌کنند؛ اما انتقال این استانداردها به سطح منطقه‌ای اکوواس با نوعی «فرسایش هنجاری» مواجه شده است؛ به‌گونه‌ای که تعهدات دقیق جهانی در برخی اسناد منطقه‌ای به برنامه‌ها و توصیه‌های کلی و فاقد ضمانت اجرایی تقلیل یافته‌اند. اسناد اکوواس، از جمله چارچوب‌های مبارزه با قاچاق انسان (ECOWAS, ۱۹۹٤, p. ۱۱)، عمدتاً بر هماهنگی، شناسایی قربانیان و مقابله با جرم تأکید دارند، اما فاقد بودجه مشخص و سازوکار نظارتی دقیق برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها هستند. بنابراین، خلأ اصلی، نبود پیوند روشن میان تعهد حمایتی، منبع مالی، مسئولیت نهادی و نظارت بر اجرا است. این وضعیت موجب نابرابری سطح حمایت میان کشورهای عضو شده است؛ به‌گونه‌ای که زنان و کودکان قربانی ممکن است در یک کشور از حمایت‌های حداقلی برخوردار باشند و در کشور دیگر، به‌دلیل کمبود منابع و ضعف اجرایی، از آن محروم بمانند. ازاین‌رو، ارزیابی اسناد نباید صرفاً

---

[1]- Accessibility
[2] - Legal Illiteracy

نسخه پیش از انتشار (نسخه ویراستاری نشده)

بر وجود قانون، بلکه بر تعیین مسئول، سازوکار اجرا، منبع مالی و امکان نظارت استوار باشد. در نتیجه، تقویت پاسخ‌گویی و تبدیل توصیه‌ها به الزامات دارای ضمانت اجرا، شرط کاهش فاصله میان حق شناسایی‌شده و حمایت قابل دسترس است.

۲-۲-۲- خلأهای اجرایی: چرایی فاصله میان تعهد و عمل

شکاف اجرایی اکوواس در سه سطح قابل تحلیل است: نخست، ضعف ظرفیت عملیاتی: محدودیت دسترسی قربانیان به خدمات تخصصی نشان می‌دهد که شناسایی بزه‌دیده لزوماً به حمایت پایدار منجر نمی‌شود (U.S. Department of State, ۲۰۲۵, p. ۲۵). کمبود منابع، مراکز تخصصی و نیروی آموزش‌دیده این شکاف را تشدید می‌کند. دوم، کوتاه‌مدت بودن برنامه‌ها: بسیاری از برنامه‌های حمایتی پروژه‌ای‌اند و به ساختارهای پایدار ملی تبدیل نشده‌اند؛ ازاین‌رو، آموزش و اقدامات مقطعی بدون نظارت و شاخص‌های مستمر، اثرگذاری محدودی دارند (IOM, ۲۰۲۵, p. ۱۰). در سنگال نیز استمرار بهره‌کشی از کودکان، با وجود توصیه به ادغام حمایت روانی در دادرسی، نشان‌دهنده ناهماهنگی خدمات حمایتی و پیشگیری با الگوهای جرم است (UNODC, ۲۰۲٤, p. ۲۰). سوم، بی‌توجهی به شرایط محلی: ضعف حفاظت در محیط‌های پرخطر، از جمله مناطق معدنی غنا، نشان می‌دهد که مقررات عمومی بدون مداخله متناسب با شرایط محلی کافی نیستند (U.S. Department of State, ۲۰۲۵, p. ۳۵). بنابراین، سیاست‌های منطقه‌ای باید بر شناسایی مناطق پرخطر و تخصیص هدفمند منابع نیز متمرکز شوند.

۳-۲-۲- ریشه‌یابیِ موانع: فراتر از نقصِ فنی

ضعف عملکرد اکوواس را نمی‌توان صرفاً به خلأهای فنی و تقنینی نسبت داد؛ بلکه سه مانع ساختاری مهم دارد: نخست، سیاست‌گذاری فاقد بودجه: تعهدات حمایتی بدون منابع مالی پایدار، به‌ویژه در شرایطی که اولویت دولت‌ها بیشتر کنترل مرزهاست تا امنیت انسانی قربانیان، اثربخشی محدودی خواهند داشت (ECOWAS, ۱۹۹٤, p. ۱۰). دوم، انگ اجتماعی و فرهنگ سرزنش‌گرانه: نگرش‌های سرزنش‌کننده، گزارش‌دهی و پیگیری حقوق را کاهش داده و حتی در حضور قوانین حمایتی، به بازتولید بزه‌دیدگی ثانویه منجر می‌شوند. سوم، شکاف در همکاری‌های فرامرزی: اگرچه اسناد اکوواس سازوکارهای همکاری قضایی را پیش‌بینی کرده‌اند، ملاحظات حاکمیت ملی در عمل می‌تواند انتقال ایمن، پیگیری مشترک پرونده‌ها و استرداد را محدود کند. بنابراین، اکوواس با «شکاف اجرایی در برابر تراکم هنجاری» مواجه است؛ یعنی اصول حمایتی وجود دارند، اما سازوکارهای عملیاتی، نهادی و نظارتی لازم برای اجرای آن‌ها کافی نیستند. رفع این شکاف مستلزم تبدیل تعهدات اسنادی به مسئولیت‌های اجرایی، از طریق شاخص‌های منطقه‌ای ارزیابی، صندوق‌های مستقل حمایت از بزه‌دیدگان و تقویت پاسخ‌گویی ملی است. تحقق این رویکرد می‌تواند حمایت از زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی را از سطح تعهدات حقوقی به دسترسی واقعی به عدالت و جبران خسارت ارتقا دهد.

۳- ارزیابی ظرفیت‌های حمایتی اسناد اکوواس و ارائه راهکارهای تقویت رویکرد بزه‌دیده‌محور

هدف این بخش، ارزیابی ظرفیت هنجاری اسناد و سازوکارهای اکوواس در حمایت از زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی و ارائه راهکارهای تقویت رویکرد بزه‌دیده‌محور است. با توجه به اسنادی‌بودن پژوهش و نبود ارزیابی میدانی، «ارزیابی» صرفاً

به سنجش میزان توجه اسناد به مؤلفه‌های حمایتی و سازوکارهای پیش‌بینی‌شده محدود می‌شود. همچنین، با تحلیل تطبیقی استانداردها و تجارب منطقه‌ای و بین‌المللی، ظرفیت‌های قابل استفاده و راهکارهای متناسب با شرایط اکوواس استخراج می‌شود.

۳-۱- تحلیل تطبیقی ظرفیت‌های حمایتی و درس‌آموخته‌ها

۳-۱-۱- تحلیل نقاط قوت و کاستی‌های هنجاری اسناد و سازوکارهای موجود

تعدد اسناد و برنامه‌ها به‌تنهایی نشان‌دهنده حمایت مؤثر نیست؛ معیار اصلی، میزان توجه هنجاری به حقوق و آسیب‌پذیری‌های زنان و کودکان و وجود سازوکارهای تحقق آن‌هاست. تحلیل حاضر نشان می‌دهد اکوواس با پارادوکس ساختاری مواجه است: از یک‌سو ظرفیت هنجاری قابل‌توجه و از سوی دیگر، ضعف در تبدیل قواعد به خدمات و ایجاد زنجیره پیوسته حمایت از شناسایی تا جبران خسارت. بنابراین، کارآمدی منطقه‌ای باید نه بر تراکم اسناد، بلکه بر هم‌کنشی حقوقی و استمرار خدمات سنجیده شود؛ زیرا بدون ظرفیت اجرایی برای تأمین امنیت تا مرحله بازتوانی، حمایت در سطح استانداردهای هنجاری باقی می‌ماند.

۳-۱-۱-۱- واکاوی نقاط قوت: غنای هنجاری و پیشگامی در تدوین پروتکل‌های منطقه‌ای

نقاط قوت اکوواس را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: نخست، منطقه‌ای‌سازی پاسخ کیفری و حمایتی و فراهم‌کردن زمینه هماهنگی فرامرزی برای شناسایی و بازتوانی قربانیان و مقابله با قاچاق (ECOWAS, ۲۰۰۶, p. ۲٤)؛ دوم، گذار از تلقی بزه‌دیده به‌عنوان ابزار کشف جرم به دارنده حق مستقل و توجه به کاهش بزه‌دیدگی ثانویه (Pokorny, ۲۰۲۵, pp. ٤٥–۴۸)؛ و سوم، ظرفیت پیوند عدالت کیفری با خدمات رفاهی و ایجاد مسیر یکپارچه حمایت. بااین‌حال، غنای هنجاری نباید با کارآمدی تجربی خلط شود. مهم‌ترین ظرفیت اکوواس، ایجاد چارچوب مشترک برای هماهنگ‌سازی استانداردهای حمایتی است؛ ظرفیتی که تحقق آن به انتقال معیارهای بزه‌دیده‌محور به سازوکارهای عملی شناسایی، ارجاع، حمایت و بازتوانی در کشورهای عضو وابسته است.

۳-۱-۱-۲- واکاوی نقاط ضعف: شکاف‌های ساختاری و بن‌بست‌های اجرایی

ضعف نظام حمایتی اکوواس بیش از کمبود اسناد، ناشی از گسست نهادی و اجرایی است. چهار چالش اصلی عبارت‌اند از: نخست، فقدان زنجیره روشن مسئولیت: ابهام در تقسیم وظایف از شناسایی تا جبران خسارت، موجب سرگردانی مسئولیت‌ها، تکرار روایت آسیب‌زا و بزه‌دیدگی ثانویه می‌شود. دوم، جزیره‌ای‌بودن همکاری‌های فرامرزی: با وجود پروتکل‌های موجود، پیچیدگی اداری و ناهماهنگی ملی، به‌ویژه در غنا، دسترسی قربانیان مهاجر به خدمات را محدود کرده است (U.S. Department of State, ۲۰۲۵, p. ۳۵). بنابراین، همکاری منطقه‌ای باید علاوه بر تعقیب مرتکبان، تداوم حمایت از بزه‌دیده را تضمین کند. سوم، فاصله سیاست‌گذاری مرکزی و اجرای محلی: بی‌توجهی به نهادهای مدنی و شرایط فرهنگی محلی، اثربخشی برنامه‌های بالابه‌پایین را کاهش می‌دهد. تفاوت ظرفیت نهادی و فقدان مدیریت یکپارچه نیز استمرار خدمات را

نسخه پیش از انتشار (آزمایشی)

تضعیف می‌کند (IOM, ۲۰۲۵, p. ۵). چهارم، تقلیل ارزیابی به شاخص‌های کمی: سنجش موفقیت بر اساس تعداد اسناد یا قربانیان شناسایی‌شده، بدون توجه به نتایجی مانند امنیت، توانمندی اقتصادی و بازگشت به تحصیل، ارزیابی واقعی حمایت را مخدوش می‌کند. در مجموع، مسئله اصلی اکوواس فقدان دسترسی مستمر به حقوق شناسایی‌شده است، نه صرفاً خلأ تقنینی. حمایت در شرایط فعلی، تحت تأثیر تفاوت ظرفیت‌های ملی، از «حق تضمین‌شده» به «امتیازی متغیر» تبدیل شده است. ازاین‌رو، تعهدات منطقه‌ای باید در چهار سطح هنجاری، نهادی، دسترسی و پاسخ‌گویی به مسئولیت‌های اجرایی بودجه‌دار و شاخص‌های کیفیت زندگی بزه‌دیدگان پیوند بخورد. کارآمدی نظام حمایتی نیز باید بر پایداری مسیر بازتوانی سنجیده شود: آیا بزه‌دیده پس از شناسایی به زنجیره‌ای ایمن و مستمر از خدمات دسترسی دارد یا میان نهادهای جزیره‌ای رها می‌شود؟ پاسخ به این پرسش، گذار از تدوین استاندارد به نهادینه‌سازی حمایت را ضروری می‌کند. بر این اساس، تقویت رویکرد بزه‌دیده‌محور بیش از تولید اسناد جدید، به پیوند سه مؤلفه «حق، مسئولیت و پایش» وابسته است؛ یعنی هر حق حمایتی باید دارای مسئول نهادی مشخص، منابع تحقق و سازوکار ارزیابی باشد.

۳-۱-۲- درس‌آموخته‌هایی از تجارب سایر نظام‌های منطقه‌ای و تحلیل تطبیقی با اتحادیه آفریقا

مقایسه اکوواس و اتحادیه آفریقا، با بررسی نسبت میان هنجارهای قاره‌ای و سازوکارهای منطقه‌ای، امکان شناسایی ظرفیت‌های قابل انتقال و محدودیت‌های ساختاری اکوواس را فراهم می‌کند. هدف، صرفاً مقایسه متون نیست، بلکه استخراج درس‌آموخته‌هایی برای گذار از «تدوین هنجار» به «نهادینه‌سازی حمایت مؤثر» است. بر این اساس، برخی عناصر نیازمند انتقال و برخی، با توجه به تفاوت ظرفیت‌های نهادی و ملی، نیازمند بومی‌سازی‌اند.

۱-۲-۱-۳- تحلیل تطبیقی: هم‌گرایی هنجاری و تمایز عملیاتی میان اکوواس و اتحادیه آفریقا

اسناد اکوواس و اتحادیه آفریقا در ارزش‌هایی چون کرامت انسانی هم‌گرا هستند؛ اما اتحادیه آفریقا عمدتاً استانداردهای کلی حقوق بشری را تبیین کرده و اکوواس کوشیده است این اصول را در قالب قواعد منطقه‌ای جزئی‌تر نهادینه کند. بااین‌حال، پیچیدگی تقنینی لزوماً به معنای کارآمدی اجرایی نیست. اکوواس در وضعیت «تقنین حداکثری و اجرای حداقلی» قرار دارد و مزیت اصلی آن، ظرفیت واسطه‌گری و منطقه‌ای‌سازی حمایت است؛ ظرفیتی که بدون نظارت الزام‌آور و منابع پایدار، به انباشت قواعد بدون خروجی ملموس منجر می‌شود.

۲-۲-۱-۳- تحلیل شکاف اجرایی: از پروتکل‌های هنجاری تا بحران پیاده‌سازی

تراکم اسناد و پروتکل‌ها (ECOWAS, ۱۹۹٤. P. ۱۲) لزوماً امنیت بزه‌دیدگان را ارتقا نداده و بیانگر نوعی «تورم تقنینی» و توقف حمایت‌ها در سطح اداری است. چالش دسترسی، به‌ویژه در خدمات روان‌شناختی و درمانی، همچنان جدی است (U.S. Department of State, ۲۰۲۵, p. ۲٤). همچنین، همکاری منطقه‌ای عمدتاً بر «امنیت سلبی» یعنی تعقیب کیفری و کنترل مرزها متمرکز بوده و فاقد زنجیره منسجم «شناسایی تا توانمندسازی» است (IOM, ۲۰۲۵, p. ٤٥). بنابراین، اکوواس باید از همکاری مبتنی بر کنترل به مدیریت مسیر حمایتی حرکت کند و منابع پایدار و نظارت الزام‌آور را در آن بگنجاند.

نسخه پیش از انتشار (ویراستاری)

۳-۲-۱-۳- بازتعریفِ راهبردها: گذار به سوی عدالتِ چندبعدی و بازسازی کرامت انسانی

گذار از «تعهدات صوری» به حمایت مؤثر، مستلزم پیوند سه محور است: نخست، عدالت کیفری و سلامت روان: ادغام رویکرد حساس به تروما در مراحل دادرسی و عملکرد نیروهای انتظامی، برای حفظ عاملیت و کرامت بزه‌دیده و پیشگیری از بازبزه‌دیدگی ضروری است (UNODC, ۲۰۰٦; p. ٦٤). دوم، عدالت کیفری و توسعه اقتصادی ـ اجتماعی: مقابله پایدار با بهره‌کشی جنسی مستلزم کاهش عوامل ساختاری آسیب‌پذیری، از جمله فقر و نابرابری جنسیتی، و توانمندسازی اقتصادی بزه‌دیدگان است. سوم، گذار از قربانی‌انگاری به بازپذیری اجتماعی: انگ اجتماعی و کلیشه‌های جنسیتی، گزارش‌دهی و اعتماد به نهادهای رسمی را تضعیف می‌کنند (زراعت‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۹،ص ۱۷۲–۱۷۳). مقابله با بهره‌کشی، به‌ویژه ابعاد دیجیتال آن، مستلزم مشارکت نهادهای مدنی و تقویت فرهنگ حمایت‌گر در کنار سازوکارهای حقوقی است (اسلامی و میریان، ۱۳۹۴، ص ۲۱). در مجموع، اکوواس ظرفیت بالایی برای تبدیل اصول اتحادیه آفریقا به سازوکارهای منطقه‌ای دارد، اما تحقق آن به گذار از «تدوین هنجار» به «تضمین اجرا» و پیوند میان عدالت کیفری، سلامت روان و توانمندسازی اقتصادی وابسته است؛ مسیری که حمایت از زنان و کودکان را به فرایند واقعی بازسازی کرامت انسانی تبدیل می‌کند.

۳-۲- الگوی پیشنهادی برای ارتقای رویکرد بزه‌دیده محور

۳-۲-۱- شاخص‌های پیشنهادی برای ارزیابی کارآمدی سیاست‌های حمایتی

یکی از چالش‌های اساسی در ارزیابی سیاست‌های حمایتی، تمایز میان «وجود سیاست» و «کارآمدی سیاست» است. اکوواس از طریق تدوین پروتکل‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای، ظرفیت هنجاری قابل توجهی برای حمایت از زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی ایجاد کرده است (Nwabueze, ۲۰۲٤, p. ٥١)، اما صرف وجود این اسناد، نشان‌دهنده تحقق حمایت مؤثر نیست. بنابراین، معیار اصلی ارزیابی باید میزان تأثیر سیاست‌ها بر امنیت، بازتوانی و بازسازی زندگی بزه‌دیدگان باشد. در این چارچوب، ارزیابی نباید به شمارش قوانین، مراکز پذیرش یا برنامه‌های آموزشی محدود شود، بلکه باید میزان دسترسی واقعی به خدمات، کیفیت حمایت و کاهش آسیب‌های ناشی از جرم و فرایند دادرسی را نیز دربرگیرد.

۱-۱-۲-۳- تحلیل دوگانه‌ی شاخص‌ها: از سنجش «خروجی‌ها» تا سنجش «اثرگذاری»

برای ارتقای رویکرد بزه‌دیده‌محور، پیشنهاد می‌شود نظام ارزیابی اکوواس از تمرکز صرف بر «خروجی‌های نهادی» به سمت سنجش «پیامدها و اثرگذاری واقعی» حرکت کند. شاخص‌هایی مانند تعداد بزه‌دیدگان شناسایی‌شده، مراکز فعال، بودجه اختصاص‌یافته و دوره‌های آموزشی، برای پایش فعالیت نهادها ضروری‌اند؛ اما به‌تنهایی نمی‌توانند کیفیت حمایت یا تحقق عدالت را نشان دهند. برای مثال، افزایش تعداد قربانیان شناسایی‌شده ممکن است ناشی از بهبود سازوکارهای شناسایی یا افزایش

نسخه پیش از انتشار (ناویرایش)

گستردگی جرم باشد؛ ازاین‌رو، این داده‌ها باید در بستر اجتماعی و نهادی تحلیل شوند. در مقابل، شاخص‌های «اثرگذاری[1]» باید مستقیماً وضعیت بزه‌دیده را ارزیابی کنند. مهم‌ترین شاخص‌های پیشنهادی عبارت‌اند از:

- دسترسی واقعی و عادلانه: مدت زمان میان شناسایی بزه‌دیده و دریافت نخستین خدمت حمایتی، میزان دسترسی جغرافیایی و امکان بهره‌مندی گروه‌های مهاجر و آسیب‌پذیر از خدمات؛
- کیفیت حمایت روانی و اجتماعی: تداوم خدمات تخصصی و میزان بهبود وضعیت روانی و اجتماعی بزه‌دیدگان؛
- حفاظت از هویت و امنیت: میزان حفظ محرمانگی، استفاده از شیوه‌های ایمن شهادت و کاهش خطر تهدید یا انتقام؛
- کاهش بزه‌دیدگی ثانویه: ارزیابی آسیب‌هایی که ممکن است در نتیجه بازجویی‌های مکرر، رفتار نامناسب مأموران یا فرایندهای قضایی بر بزه‌دیده تحمیل شود؛
- بازتوانی و بازگشت به زندگی اجتماعی: میزان بازگشت کودکان به آموزش، توانمندسازی اقتصادی زنان و کاهش احتمال بهره‌کشی مجدد.

بر این اساس، کارآمدی نظام حمایتی باید نه صرفاً بر مبنای «حجم فعالیت نهادها»، بلکه بر اساس «نتایج حاصل‌شده برای بزه‌دیده» سنجیده شود.

۲-۱-۲-۳- ارزیابی پایداریِ حمایت: از «مدل واکنشی» به «مدل بازتوان‌گر»

یکی از ضعف‌های مهم سیاست‌های حمایتی، محدود شدن خدمات به مرحله بحران است. در برخی کشورهای عضو، حمایت‌ها به اسکان موقت، درمان اولیه یا رسیدگی قضایی محدود می‌شوند و پس از پایان فرایند دادرسی، تداوم کافی ندارند. چنین رویکردی ممکن است بزه‌دیده را دوباره در معرض فقر، طرد اجتماعی و بهره‌کشی قرار دهد. ازاین‌رو، الگوی پیشنهادی باید بر «پایداری بازتوانی» تأکید کند؛ یعنی بررسی شود که آیا حمایت‌ها از خدمات اضطراری به بازسازی توانمندی‌های بلندمدت منتهی شده‌اند یا خیر. در مورد کودکان، معیار موفقیت باید افزون بر درمان، شامل بازگشت به آموزش، ادغام مجدد در جامعه و کاهش انگ اجتماعی باشد. در مورد زنان نیز توانمندسازی اقتصادی، دسترسی به فرصت‌های شغلی و استقلال مالی اهمیت دارد. اگر حمایت‌ها نتوانند خطر بازگشت به چرخه بهره‌کشی را کاهش دهند، نمی‌توان نظام موجود را، حتی با وجود ارائه خدمات اولیه، کارآمد تلقی کرد.

۳-۱-۲-۳- چالش‌های ساختاری و شکاف میانِ سیاست و اجرا: تحلیل موانع عملیاتی

ارزیابی شواهد نشان می‌دهد اکوواس با «پارادوکس سیاست‌گذاری» مواجه است؛ یعنی تکثیر اسناد حقوقی بدون بهبود متناسب در وضعیت میدانی (Aduloju, ۲۰۱۷, pp. ۹۹–۱۰۳). این شکاف حاصل سه چالش اصلی است: نخست، وابستگی مالی که برنامه‌های حمایتی را به پروژه‌های مقطعی تبدیل کرده و بدون پذیرش مسئولیت مالی دولت‌ها، حمایت را از تعهد حاکمیتی به اقدام داوطلبانه تقلیل می‌دهد؛ دوم، گسست بین‌سازمانی که به دلیل ناهماهنگی نهادهای قضایی، انتظامی و رفاهی، زنجیره

[1]- Outcomes

نسخه پیش از انتشار (ویراسته)

ارجاع و حمایت از قربانیان را مختل می‌کند؛ و سوم، ضعف فرهنگی و تخصصی که فقدان آموزش حساس به تروما و استمرار انگ اجتماعی، موجب بزه‌دیدگی ثانویه، کاهش گزارش‌دهی و ناقص‌شدن داده‌های ارزیابی می‌شود. بنابراین، شکاف موجود حاصل گسست هم‌زمان در تأمین مالی، هماهنگی نهادی و کیفیت مواجهه با بزه‌دیدگان است و رفع آن مستلزم تبدیل حمایت از اقدام پروژه‌محور به فرایندی نهادی، مستمر و پاسخ‌گوست. در این راستا، اکوواس باید از «اداره‌گری صوری» به «نظارت اصلاحی» و از ارزیابی اداری به نظام پایش بازخوردی مبتنی بر شاخص‌های عملکردی حرکت کند تا حمایت‌ها بر مبنای کرامت انسانی و دسترسی پایدار، نه صرفاً بودجه و اجرای پروژه، سنجیده شوند.

۳-۲-۲- الزامات تقنینی و اجرایی برای تقویت رویکرد بزه‌دیده‌محور در اکوواس

چالش اصلی اکوواس فقدان اصول حمایتی نیست، بلکه گسست میان هنجار و اجرا است. تحقق حمایت پایدار، مستلزم گذار از الگوی واکنشی و تک‌بعدی به نظامی پیشگیرانه، چندبعدی و پاسخ‌گوست. این تحول باید در دو سطح مکمل دنبال شود: الزامات تقنینی برای تعیین حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها و الزامات اجرایی برای تحقق عملی آن‌ها. فقدان هماهنگی این دو سطح، اصلاحات قانونی را به قواعد فاقد ضمانت اجرا و اقدامات عملی را به برنامه‌هایی پراکنده و ناپایدار تبدیل می‌کند.

۱-۲-۲-۳- الزامات تقنینی: بازسازی چارچوب‌های حقوقی برای تضمین حق و مسئولیت

در سطح تقنینی، از منظر این پژوهش، گذار از رویکرد «کیفری‌محور» به «حمایت بزه‌دیده‌محور» یک ضرورت استراتژیک است. اصلاحات مورد نیاز باید فراتر از تشدید مجازات رفته و بر سه محور تحول‌آفرین متمرکز شوند:

- تثبیت حقوق مستقل بزه‌دیدگان: نارسایی فعلی در نظام اکوواس ناشی از «تبعی» بودنِ حقوق بزه‌دیدگان نسبت به فرایند کیفری است. از نگاه نگارندگان، برای کاهش فاصله میان تعهدات و واقعیت‌های میدانی، حقوق بزه‌دیدگان باید «مستقل»، «قابل‌مطالبه» و «دارای ضمانت‌اجرایِ فوری» تعریف شوند. ضرورت ایجاد سازوکارهای نظارتی برای پاسخ‌گویی دولت‌ها (آذری و بابازاده، ۱۴۰۰، ص۲۱۱) و شناسایی خدمات درمانی و روانی به‌عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از حقوق بنیادین قربانیان (رایجیان اصلی، ۱۳۹۱، ص۶۲)، پیش‌شرط خروج از وضعیت فعلی است.
- قانون‌گذاری هوشمند و حساس به بستر: از دیدگاه این پژوهش، قانون‌گذاری کارآمد، مستلزم خروج از کلی‌گویی است. قواعد حقوقی باید با درک ماهیت «بزه‌دیدگی تقاطعی»، نیازهای متمایز زنان و کودکان را در متن قانون ادغام کنند. قانون‌گذار باید «آثار ساختاری تبعیض» و «وابستگی اقتصادی» را نه‌تنها به عنوان ملاحظات اخلاقی، بلکه به عنوان متغیرهای اصلی در تعیین استاندارد حمایتی در نظر بگیرد.
- هم‌کنشیِ حقوقی در مرزها: تحلیل نگارندگان نشان می‌دهد که «گسستِ حمایتی» در فرآیند رسیدگی، حاصل عدم «هم‌کنشیِ حقوقی[۱]» میان کشورهای عضو است. برای مقابله با شبکه‌های فراملی، اکوواس نیازمند یک نظام استاندارد

[۱] - Legal Interoperability

تبادل داده و تضمین تداوم حمایت در فراسوی مرزهاست؛ این همکاری‌ها باید از «توافقات تشریفاتی» به سمت «تعهدات عملیاتی الزام‌آور» تغییر جهت دهند.

۲-۲-۲-۳- الزامات اجرایی: عملیاتی‌سازی عدالت از طریق زیرساخت‌ها و آموزش

تحقق حقوق پیش‌بینی‌شده در قوانین، به ایجاد ظرفیت‌های نهادی، زیرساخت‌های مناسب و نیروی انسانی متخصص وابسته است. در این زمینه، سه الزام اجرایی اهمیت اساسی دارد:

- ایجاد ساختارهای حمایت یکپارچه: مراکز حمایتی باید فراتر از پناهگاه‌های موقت عمل کنند و خدمات حقوقی، پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی را به‌صورت هماهنگ ارائه دهند. یکپارچگی خدمات می‌تواند از مراجعه مکرر بزه‌دیده به نهادهای مختلف و تکرار تجربه آسیب‌زا جلوگیری کند. بر این اساس، مراکز پذیرش باید به مراکزی برای حمایت مستمر، بازتوانی و بازسازی زندگی بزه‌دیدگان تبدیل شوند.
- تقویت ظرفیت انسانی و آموزش حساس به تروما: آموزش قضات، پلیس، کارکنان درمانی و نیروهای حمایتی باید فراتر از آموزش‌های صرفاً حقوقی و فنی باشد و مهارت‌های ارتباطی، شناخت آثار تروما، رعایت محرمانگی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه را نیز دربرگیرد. کیفیت رفتار و نحوه تعامل نهادهای رسمی با بزه‌دیده، می‌تواند به اندازه مقررات قانونی در ایجاد احساس امنیت و اعتماد مؤثر باشد.
- توسعه نظام‌های پایش و مدیریت اطلاعات: ایجاد سازوکارهای هماهنگ برای ثبت و پیگیری پرونده‌ها می‌تواند همکاری فرامرزی، شناسایی الگوهای بهره‌کشی و ارزیابی کیفیت خدمات را تقویت کند. با توجه به گسترش فضای مجازی و افزایش امکان ارتباط ناشناس و فریب کودکان، این نظام باید ظرفیت شناسایی و پایش الگوهای بهره‌کشی دیجیتال را نیز داشته باشد. همچنین، طراحی آن باید با رعایت محرمانگی، حفاظت از اطلاعات شخصی و محدودیت دسترسی به داده‌های حساس انجام شود. داده‌های حاصل می‌تواند مبنایی برای ارزیابی عملکرد کشورهای عضو، شناسایی کمبودهای نهادی و تخصیص هدفمند منابع باشد (حیدری، ۱۴۰۰، ص ۳۶۱).

از منظر تحلیلی این پژوهش، تفکیک الزامات تقنینی و اجرایی به معنای دو مسیر مستقل برای اصلاح نیست، بلکه این دو سطح به‌صورت متقابل و زنجیره‌ای عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ضعف هر یک می‌تواند اثربخشی دیگری را نیز محدود سازد. بر همین اساس، مسئله اصلی صرفاً ایجاد قواعد حمایتی جدید نیست، بلکه ایجاد پیوند نهادی میان شناسایی حق بزه‌دیده، تضمین دسترسی به خدمات و امکان نظارت بر اجرای آن است. از این منظر، بزه‌دیده‌محوری زمانی از یک اصل هنجاری به یک سازوکار واقعی حمایت تبدیل می‌شود که این سه مرحله در یک فرایند مستمر و پاسخ‌گو به یکدیگر متصل شوند. بر این اساس، تحول در نظام عدالت کیفری اکوواس مستلزم گذار از رویکردهای پراکنده و تک‌بعدی به یک الگوی هماهنگ و نظام‌مند است. الزامات تقنینی باید حقوق و مسئولیت‌ها را به‌طور روشن تعریف کنند و الزامات اجرایی باید امکان دسترسی واقعی، مستمر و ایمن به این حقوق را فراهم سازند. تنها با پیوند قوانین حساس به جنسیت و سن، زیرساخت‌های حمایتی یکپارچه، نیروی انسانی آموزش‌دیده و نظام‌های پاسخ‌گو می‌توان از عدالت واکنشی به سوی عدالت پیشگیرانه و بازتوان‌گر

نسخه پیش از انتشار نهایی

حرکت کرد. در چنین الگویی، حمایت از زنان و کودکان قربانی بهره‌کشی جنسی از سطح تعهدات حقوقی فراتر می‌رود و به یک سازوکار عملی، پایدار و قابل اعتماد تبدیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

رویکرد بزه‌دیده‌محور در نظام عدالت کیفری اکوواس نشان می‌دهد که مقابله مؤثر با بهره‌کشی جنسی از زنان و کودکان، تنها زمانی محقق می‌شود که حمایت از بزه‌دیدگان از یک اقدام حاشیه‌ای به محور اصلی سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرای عدالت تبدیل شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اکوواس طی دو دهه گذشته، با تصویب اسنادی مانند «برنامه اقدام ۲۰۰۶» و «چارچوب استراتژیک حفاظت از کودکان ۲۰۱۷»، ظرفیت هنجاری قابل توجهی برای حمایت از بزه‌دیدگان ایجاد کرده است. این اسناد، به‌ویژه در حوزه حمایت‌های روانی و اجتماعی، حفاظت از کودکان و فراهم‌سازی امکان شهادت ایمن، از ظرفیت‌های حقوقی مناسبی برخوردارند. با این حال، میان «ظرفیت هنجاری» و «تحقق عملی حمایت» شکاف قابل توجهی وجود دارد؛ ازاین‌رو، نقطه قوت اصلی اکوواس را؛ نه در اثبات کامل کارآمدی اجرایی آن، بلکه باید در ظرفیت حقوقی و هماهنگ‌کننده آن دانست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش، ضعف پیوند میان تعهدات حقوقی و الزامات اجرایی است. کمبود بودجه پایدار، نبود صندوق منطقه‌ای جبران خسارت، تفاوت ظرفیت‌های نهادی کشورهای عضو، ضعف هماهنگی فرامرزی و محدودیت آموزش تخصصی برای پلیس، قضات و مددکاران، موجب شده است سطح دسترسی بزه‌دیدگان به خدمات حمایتی یکسان و پایدار نباشد. داده‌ها نشان می‌دهد که با وجود بهره‌مندی بیش از هزار قربانی از حمایت‌های اکوواس و سازمان بین‌المللی مهاجرت در فاصله سال‌های ۲۰۲۴ تا اوایل ۲۰۲۵، میزان جبران خسارت همچنان کمتر از ۲۰ درصد باقی مانده است. این وضعیت نشان می‌دهد که شناسایی بزه‌دیده یا ارائه حمایت اولیه، لزوماً به معنای تحقق بازتوانی پایدار و جبران مؤثر آسیب‌ها نیست.

تحلیل پژوهش بیانگر آن است که این شکاف، صرفاً ناشی از کمبود منابع مالی نیست، بلکه از تعامل عوامل سیاسی، اقتصادی، نهادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. در سطح سیاسی، بی‌ثباتی و اولویت‌یافتن ملاحظات امنیتی، حمایت از بزه‌دیدگان را با محدودیت مواجه می‌سازد. در سطح اقتصادی، وابستگی به کمک‌های بین‌المللی، پایداری و تداوم برنامه‌ها را تهدید می‌کند. در سطح نهادی نیز پراکندگی مسئولیت‌ها میان پلیس، دادگاه‌ها، نهادهای درمانی و سازمان‌های حمایتی، مسیر دسترسی به خدمات را پیچیده می‌سازد. افزون بر این، تابوهای مرتبط با خشونت جنسی، انگ اجتماعی و برخی ساختارهای خویشاوندی، ممکن است قربانیان را از گزارش جرم و مراجعه به نهادهای رسمی بازدارد. این عوامل در تعامل با یکدیگر، چرخه‌ای ایجاد می‌کنند که در آن کاهش گزارش‌دهی، شناسایی ناقص، پیگیری ضعیف و دسترسی محدود به جبران خسارت، یکدیگر را تقویت می‌کنند. در مقابل، ادغام اصول بزه‌دیده‌محور، از جمله رویکرد حساس به تروما، اصل عدم مجازات قربانیان، حفظ محرمانگی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه، می‌تواند کیفیت پاسخ نظام عدالت را ارتقا دهد. این اصول، بزه‌دیده را از جایگاه صرفاً شاهد یا منبع اطلاعات خارج کرده و او را به‌عنوان صاحب حق و کنشگر اصلی فرایند عدالت به رسمیت می‌شناسند.

نسخه پیش از انتشار (ناویرایسته)

افزایش احساس امنیت و اعتماد نیز می‌تواند گزارش‌دهی و همکاری با نهادهای مسئول را تقویت کند و در نتیجه، شناسایی شبکه‌های بهره‌کشی و پیگیری مؤثر مرتکبان را بهبود بخشد.

همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای کارآمدی اکوواس مستلزم مجموعه‌ای هماهنگ از اقدامات تقنینی و اجرایی است؛ از جمله ایجاد صندوق پایدار جبران خسارت، توسعه مراکز یکپارچه ارائه خدمات حقوقی، پزشکی، روانی و اجتماعی، آموزش حساس به تروما برای کارکنان قضایی و انتظامی، تقویت حفاظت دیجیتال و امکان شهادت ایمن، استانداردسازی داده‌ها با تفکیک جنسیتی و سنی، و توسعه همکاری‌های فرامرزی. همکاری منطقه‌ای نیز نباید تنها به تعقیب مرتکبان محدود شود، بلکه باید تداوم حمایت، انتقال ایمن و دسترسی بزه‌دیدگان به خدمات را نیز دربرگیرد. این الگو، با توجه به برخی مشابهت‌های اجتماعی و فرهنگی، قابلیت توجه و بومی‌سازی در خاورمیانه و ایران را نیز دارد؛ به‌ویژه در مناطقی که تابوهای جنسی، ساختارهای خویشاوندی و گسترش بهره‌کشی دیجیتال، ضرورت تقویت حفاظت سایبری، سازوکارهای جبران خسارت و آموزش‌های حساس به تروما را افزایش داده‌اند. با این حال، انتقال این الگو باید متناسب با شرایط حقوقی، نهادی و فرهنگی هر جامعه صورت گیرد.

برآیند مباحث نشان می‌دهد که موفقیت رویکرد بزه‌دیده‌محور در اکوواس، به توانایی این سازمان در تبدیل «حقوق اعلام‌شده» به «حمایت‌های واقعی، پایدار و قابل دسترس» وابسته است. تحقق این هدف مستلزم پیوند میان تعهدات حقوقی، بودجه پایدار، مسئولیت نهادی روشن، مشارکت جامعه مدنی، همکاری فرامرزی و نظام ارزیابی مبتنی بر نتایج حاصل‌شده برای بزه‌دیده است. تنها در این صورت می‌توان از گذار عدالت کیفری از الگویی واکنشی و جرم‌محور به نظامی پیشگیرانه، بازتوان‌گر و واقعاً بزه‌دیده‌محور سخن گفت.

سرانجام، پژوهش‌های آینده باید بر مطالعات میدانی و طولی، میزان دسترسی واقعی زنان و کودکان به خدمات، کیفیت جبران خسارت، پایداری بازتوانی و تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر الگوهای بهره‌کشی متمرکز شوند تا زمینه طراحی مداخلات دقیق‌تر و سیاست‌های حمایتی مؤثرتر فراهم شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

نویسندگان در نگارش مقاله هیچ گونه کمک مالی مشخصی از نهادهای تأمین مالی در بخش‌های دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در نگارش و پژوهش مقاله مشارکت مساوی داشته‌اند.

اعلامیهٔ هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش

در نگارش این مقاله از هیچ هوش مصنوعی استفاده نشده است.

نسخه پیش از انتشار (آماده)

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان از جعل داده‌ها، تحریف، سرقت علمی و هرگونه سوءرفتار پژوهشی اجتناب کرده و اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همهٔ آن‌هاست.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

هیچ داده‌ای در دسترس نیست.

نسخه پیش از انتشار (نویسنده)

منابع:

آذری، هاجر و بابازاده، زهرا(۱۴۰۰) رویکرد نوین به شناسایی حقوق بشر زنان قربانی خشونت جنسی در کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول)، «*فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*»، ۱۰(۳۷)، ۲۱۹-۱۹۳. https://doi.org/۱۰,۲۲۰۵٤/jclr.۲۰۲۲,٥٤۳۱۱,۲۱٥۹

اسلامی، رضا و میریان، سیده سارا (۱۳۹۴)، بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران، «*پژوهشنامه حقوق کیفری*»، ۶(۱)، ۳۶-۷.

السان، مصطفی(۱۳۸۴)، قاچاق زنان و کودکان برای بهره کشی جنسی (از منع جهانی تا حمایت از بزه دیدگان)، «*مجله رفاه اجتماعی*». ۴ (۱۶) :۳۶۴-۳۲۹.

حیدری، علی مراد(۱۴۰۲)، نقد سیاست کیفری تقنینی در برابر کودک‌کامی مجازی، «*مجله حقوقی دادگستری*»، ۸۷(۱۲۴)، ۳۸۴-۳۵۹. Doi: ۱۰,۲۲۱۰٦/jlj.۲۰۲۳,۱۹۹۹۱٥٦,٥۲۳۷

ذاقلی، عباس(۱۳۹۴)، *قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی*، تهران، نشر میزان.

رایجیان اصلی، مهرداد و ابراهیمی سنو، مجتبی(۱۳۹۱)، تحلیل بزه‌دیده‌شناختیِ قاچاق زنان‌وکودکان: با نگاهی به ملاک‌های بین‌المللی و مقررات ایران، «*دانش و پژوهش حقوقی*»، ۱(۱)، ۶۶-۳۵.

زراعت پیشه، رویا؛ شیری، عباس؛ نجفی ابرند آبادی، علی حسین و محمودی جانکی، فیروز (۱۳۹۹)،کلیشه‌های جنسیتی موثر بر وقوع تجاوز جنسی در مولفه های فرهنگ ایرانی،« *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*»، ۹(۳۲)، ۱۷۷-۱۵۱. ISSN: ۲۳٤٥-۳٥۷٥

کاریو، روبر(۱۴۰۱)، بزه *دیده شناسی: از گسستن پیوند بین اشخاص تا ترمیم اجتماعی*، ترجمه سید حسام الدین اصفهانی، تهران، میزان.

لعل علیزاده، محسن(۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی حقوق بزه دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین المللی.« *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*»، ۵(۱۹)، ۱۲۶-۹۵. https://doi.org/۱۰,۲۲۰۵٤/jclr.۲۰۱۷,۷۹٦٤,۱۱۳٥

مهدوی، محمود و قادری، علیرضا . (۱۴۰۴). تحلیل چندسطحی عوامل بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان در فضای سایبر. آموزه‌های حقوق کیفری. ۲۲(۳۰). ۴۰۵-۳۶۹. doi: ۱۰,۳۰٥۱۳/cld.۲۰۲٦,۸۰۰۰,۲۲۳۸

نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۸۲)، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی. «آموزه های حقوقی». شماره ۳ و ۴ (پیاپی ۹ و ۱۰). ۳۸-۳.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۸۴)، *تقریرات درس جرمشناسی(بزهکاری زنان و روسپیگری)*، دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه مفید قم.

نورمحمدزاده، علی و همکاران(۱۴۰۳) جرم یابی قاچاق انسان به عنوان یک جرم سازمان یافته، «*فصلنامه مطالعات و پژوهش های امنیت داخلی*»، سال دوم، ش ۶،صص ۳۹-۷.

والک لیت، ساندرا(۱۴۰۰)، *دانشنامه بزه‌دیدگان و بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، تهران، میزان.

Alsan, M. (۲۰۰۵), Trafficking of Women and Children for Sexual Exploitation (From Global Prohibition to Victim Protection), *Social Welfare Quarterly*. ٤(١٦): ٣٢٩–٣٦٤. [In Persian]

Alter, K. J., Helfer, L., & McAllister, J. R. (۲۰۱۳). A new international human rights court for West Africa: The ECOWAS Community Court of Justice. *American Journal of International Law*, ۱۰۷(۴), ۷۳۷-۷۷۹. DOI: https://doi.org/۱۰.۵۳۰۵/amerjintelaw.۱۰۷.۴.۰۷۳۷

Asiyanbi, S. B., Oluwafemi, B. L., Ademiluyi, F. A., Oludemi, S. A., & Agboola, O. O. (۲۰۲۵). ECOWAS Institutional Frameworks for Managing Trafficking in Persons in West Africa. *African Renaissance*, ۲۲(٤). ۱۷٤٤-۲٥۳۲ .Doi: ۱۰,۳۱۹۲۰/۲٥۱٦-٥۳۰٥/۲۰۲٥/۲۲n٤a١٤

Azari, H., & Babazadeh, Z. (۲۰۲۱). A New Approach to Identifying the Human Rights of Women Victim of Sexual Violence in the Council of Europe Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence (Istanbul Convention. *Journal of Criminal Law Research, 10*(۳۷), ۱۹۳-۲۱۹. https://doi.org/۱۰,۲۲۰٥٤/jclr.۲۰۲۲,٥٤۳۱۱,۲۱٥۹ [In Persian]

Babatope, A. E., Okunlola, O. A., Adewumi, I. P., Ajisafe, D. O., Ajenifuja, T. Y., & Ojomu, T. F. (۲۰۲٥). Patterns and dynamics of conflict-related sexual violence: An insight from ٥٤ African countries. *International Journal for Equity in Health, 24*, ۲٥٦. Doi: ۱۰,۱۱۸٦/s۱۲۹۳۹-۰۲٥-۰۲٦۱۹-۸

Cario, Robert (۲۰۲۲), Victimology: From the Severing of Interpersonal Bonds to Social Restoration, translated by Seyed Hesamoddin Esfahani, Tehran, Mizan. [In Persian]

CEDAW. (۱۹۷۹). Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women. *United Nations, Treaty Series*, vol. ۱۲٤, pp. ۱۳-۳٥.

نسخه پیش از انتشار

CRC. (١٩٨٩). *Convention on the Rights of the Child*. United Nations, Treaty Series, vol. ١٥٧٧, pp. ٣–١٧٨.

CRC. (٢٠١١). *Optional Protocol on the involvement of children in armed conflict*. United Nations, Treaty Series, vol. ٢٤٤٢, pp. ١-١٤.

ECOWAS. (٢٠١٧). *ECOWAS Strategic Framework for Strengthening National Child Protection Systems*. ECOWAS Secretariat.

ECOWAS. (٢٠٢٠). *ECOWAS Disaster Risk Reduction Gender Strategy 2020-2030*. ECOWAS Secretariat.

ECOWAS. (٢٠٢٥). *Proceedings of the 17th Annual Review Meeting of the RNNI-TIP+*. ECOWAS Commission.

Eslami, R., & Mirian, S. S. (٢٠١٥), Child Sexual Slavery and Mechanisms to Combat It in the International Human Rights System and Iranian Law. *Journal of Criminal Law Research*, ٦(١), ٧–٣٦. [In Persian]

Heidari, A. (٢٠٢٣), A Critique of Legislative Penal Policy Regarding Virtual Child Sexual Gratification. *Judiciary Law Journal*, ٨٧(١٢٤): ٣٥٩–٣٨٤. DOI: ١٠,٢٢١٠٦/jlj.٢٠٢٣,١٩٩٩١٥٦,٥٢٣٧ [In Persian]

IOM. (٢٠٢٥). *Trafficking in Persons Data in the ECOWAS Region: Standardizing and Leveraging Administrative Data*. International Organization for Migration.

Johnson, A. (٢٠٢٠). Women's rights and international law: The role of CEDAW. *Journal of International Women's Studies*, ٢١(١), ١١٠-١٢٥.

Kane, E. (٢٠٢٥). Human Trafficking in a Globalized World: A Modern Form of Slavery. In Colloquium: *The Political Science Journal of Boston College*. pp. ٨٨-١٠٩.

La'al Alizadeh, M. (٢٠١٧), A Comparative Study of Victims' Rights During Prosecution and Investigation Stages: The ٢٠١٣ Criminal Procedure Code vs. the International Criminal Court. *Criminal Law Research Quarterly*, ٥(١٩), ٩٥-١٢٦. https://doi.org/١٠,٢٢٠٥٤/jclr.٢٠١٧,٧٩٦٤,١١٣٥[In Persian]

Mahdavi, M. & Ghaderi, A. (٢٠٢٦), Multilevel Analysis of Factors Contributing to the Sexual Victimization of Children and Adolescents in Cyberspace. *Criminal Law Teachings*, ٢٢(٣٠), ٣٦٩-٤٠٥. doi: ١٠,٣٠٥١٣/cld.٢٠٢٦,٨٠٠٠,٢٢٣٨ [In Persian]

Mbaku, J. M. (٢٠١٩). The rule of law and the exploitation of children in Africa. *UC Law SF International Law Review*. ٤٢, ٢٨٧- ٣١١.

Meiselles, M. (٢٠٢٥). Are traditional laws fit for purpose? A critique of international law governing the criminal liability of digital providers for cyber-sex-trafficking. In *Contemporary Economic Crime* (pp. ١٣٨-١٥٠). Routledge.

نسخه پیش از انتشار (نویسنده)

Najafi Abrandabadi, A. (۲۰۰۳), From Classical Criminal Justice to Restorative Justice. *Legal Teachings (Razavi University of Islamic Sciences, Theology and Law Faculty*), Issues ۳ & ٤ (Serial Nos. ۹ & ۱۰), ۳-۳۸. [In Persian]

Najafi Abrandabadi, A. (۲۰۰۵), *Lecture Notes on Criminology (Female Delinquency and Prostitution*), Imam Sadiq University & Mofid University (Qom). [In Persian]

Ndiaye, I., & Mbaye, A. (۲۰۱۹). Child and women trafficking in Africa: Cultural and legal dimensions. *International Journal of Human Rights*, ۲۳(۲), ۱۲٤-۱٤۱.

Nourmohammadzadeh, Ali et al. (۲۰۲٤), Detecting Human Trafficking as an Organized Crime. *Quarterly Journal of Domestic Security Studies and Research*, Year ۲, No. ٦, ۷-۳۹. [In Persian]

OHCHR. (۲۰۲٦, February ۱۷). *Experts of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women express grave concern over revelations in Epstein files potentially amounting to crimes against humanity*. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. https://www.ohchr.org/en/press-releases/۲۰۲٦/۰۲/experts-committee-elimination-discrimination-against-women-express-grave-concern

Pokorny, L. (۲۰۲۵). A Decade of Dereliction: Forensic Timeline Analysis of Law Enforcement Failures in the Epstein Investigation (۱۹۹٦-۲۰۱۹). https://doi.org/۱۰,۵۲۸۱/zenodo.۱۸۰٤۲۲۹۵.
Raijian Asli, M. & Ebrahimi Sano, M. (۲۰۱۲), A Victimological Analysis of the Trafficking of Women and Children: With a Focus on International Standards and Iranian Regulations, *Legal Knowledge and Research*, ۱(۱): ۳۵–٦٦. [In Persian]

Simangunsong, R. T., & Situmeang, D. M. (۲۰۲۵). Juridical Review of Human Trafficking as a Transnational Crime. *Journal of Law and Economics*, ٤(۱), ۱-۹. DOI: https://doi.org/۱۰,۵٦۳٤۷/jle.v٤i۱,۲۳۰
U.S. Department of State. (۲۰۲۵). *Trafficking in Persons Report 2025*. U.S. Department of State.

Umbreit, M. (۲۰۰۳). The victim-focused approach to restorative justice. *Criminology & Public Policy*, ۲(٤), ۵۹-۷٤.

UN Human Rights Office. (۲۰۱٦). *Guiding principles on justice in child protection cases*. Geneva: OHCHR, pp. ۷۰-۷۸.

UNICEF. (۲۰۱۷). *The State of the World's Children: Child protection in Africa*. New York: UNICEF, pp. ٦۰-٦٦.

United Nations. (۱۹۸۹). *Convention on the Rights of the Child*. United Nations.

United Nations. (۲۰۰۰). *Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children*. United Nations.

United Nations. (۲۰۰۵). *Guidelines on Justice in Matters involving Child Victims and Witnesses*. United Nations.

UNODC. (۲۰۰٦). *Assistance for the Implementation of the ECOWAS Plan of Action against Trafficking in Persons*. United Nations Office on Drugs and Crime.

نسخه پیش از انتشار آزمایشی

UNODC. (٢٠٢٤). *Global Report on Trafficking in Persons 2024*. United Nations Office on Drugs and Crime.

Walklate, Sandra (٢٠٢١), *Encyclopedia of Victims and Victimology*, translated by Hamid Reza Malek Mohammadi, Tehran, Mizan Publications. [In Persian]

Williams, S. (٢٠١٨). Victim protection under international human rights law: CRC and beyond. *Human Rights Law Review*, ١٨(٢), ٤٩-٦٦.

World Health Organization. (٢٠٢٣). *Preventing and responding to sexual misconduct: WHO's three-year strategy 2023–2025*. World Health Organization.

Zaghli, A. (٢٠١٥), *Human Trafficking in Iranian Criminal Policy and International Instruments*.Tehran, Mizan Publishing. [In Persian]

Zera'atpisheh, Roya; Shiri, Abbas; Najafi Abrandabadi, Ali Hossein & Mahmoudi Janki, Firouz (٢٠٢٠), Gender Stereotypes Influencing the Occurrence of Rape within Components of Iranian Culture. *Criminal Law Research Quarterly*. ٩(٣٢): ١٥١–١٧٧. ISSN: ٢٣٤٥-٣٥٧٥[In Persian]

نسخه پیش از انتشار (نه ویراستاری)

A Victim-Centered Approach in the Criminal Justice Documents of the Economic Community of West African States (ECOWAS), with Emphasis on the Protection of Women and Children Victims of Sexual Exploitation

Mohsen Lal Alizadeh
Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

Ahmad Fadavi
Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

Sexual exploitation of women and children is a serious human rights violation requiring a victim-centered approach in criminal justice systems, emphasizing protection, security, and compensation alongside prosecution. This study examines the effectiveness of victim-centered mechanisms within the Economic Community of West African States (ECOWAS) in protecting victims of sexual exploitation. Using a qualitative documentary and procedural content analysis, the research analyzes ECOWAS policies, including the 2006 Action Plan against Trafficking in Persons, the 2017 Strategic Framework for Child Protection, and international reports, by comparing normative frameworks with operational practices. Findings reveal that ECOWAS has developed significant legal capacities in victim protection, witness support, cross-border cooperation, and compensation. However, implementation remains limited due to insufficient resources, weak coordination, inadequate specialized institutions, and the absence of a regional

compensation mechanism. The study concludes that bridging the gap between legal commitments and practical implementation requires establishing compensation funds, strengthening specialized training, and developing coordinated protection and referral systems to enhance victim support and reduce secondary victimization.
Keywords: Victim-centered approach, ECOWAS criminal justice, Witness protection, Victim compensation, Sexual exploitation, Child and women victims, Trafficking in persons

نسخه پیش از انتشار (ناویر استه)